

حکم ازدواج زن باردار از رابطه نامشروع از منظر فقه مذاهب اسلامی

عبدالصمد علی آبادی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳)

چکیده

ازدواج زن باردار فاقد شوهر تا زمان وضع حمل جایز نیست؛ مگر با شوهر سابق و اگر زن باردار با علم به حرمت، ازدواج کند، آن مرد بر او حرام ابدی می‌گردد. با این وجود در حال حاضر زن باردار بدون شوهر که از راه نامشروع باردار شده، در زمان بارداری با زانی یا غیرزانی ازدواج می‌کند، حتی گاهی زوج بعد از ازدواج می‌فهمد که آن زن از شخص دیگری باردار است که حکم آن چندان روشن نیست؛ لذا سؤال تحقیق آن است که از منظر فقه مذاهب اسلامی ازدواج زن باردار بدون شوهر از رابطه نامشروع در زمان بارداری چه حکمی دارد؟ در جواز یا عدم جواز ازدواج زانیه باردار بین مذاهب اختلاف وجود دارد؛ بنابراین نظر مذهب مالکیه، حنابله، اباضیه و برخی از امامیه ازدواج با زانیه جایز نیست و باید تا زمان وضع حمل صبر کند. از نظر مشهور امامیه و شافعیه ازدواج با زانیه جایز بوده و همبستری با وی نیز جایز است، اما از نظر احناف و زیدیه ازدواج با زانیه صحیح است و اما همبستری جایز نیست و بعد از وضع حمل می‌توان با وی همبستر شد. این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، نشانگر آن است که دیدگاه قائلین به عدم جواز ازدواج با زانیه در زمان بارداری ترجیح دارد؛ زیرا عمده دلیل قائلین به جواز نصوص عامی بوده است که البته، بر اساس جمع بین ادله، روایاتی که بر عدم جواز ازدواج زانیه دلالت دارند از قوت بیشتری برخوردار بوده و روایات جواز تخصیص می‌خورند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج زن حامله، تزویج الحامل، نکاح الحامل، زنا، مذاهب اسلامی.

طرح مسئله

حفظ نسل و نسب از اختلاط یکی از اهداف مهم شریعت اسلام است و بر پایه آن احکامی را تشریح نموده که بر همین اساس زنی که از همسر خود جدا شده و باردار است، اسلام به این زن اجازه ازدواج با مرد دیگری در زمان بارداری را نمی‌دهد و زن باید تا زمان وضع حمل صبر کند در واقع آن زن در عده زوج سابق خود است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۵۳/۲۹؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶ق، ۳۱۶/۲). دلیل این امر آن است که نطفه زوج سابق دارای احترام است و شارع به خاطر حفظ این احترام اجازه ازدواج با مرد دیگری را نمی‌دهد، چون ممکن است میاه و انساب به هم بریزد و سبب به هم خوردن رابطه خویشاوندی شود و فرزند به شخصی ملحق شود در حالی که فرزند وی نیست. بنابراین زن باردار بعد از اینکه فرزندی که در شکم دارد به دنیا آورد، عده وی تمام می‌شود و می‌تواند ازدواج کند ولو تولد فرزند بلافاصله بعد از طلاق و جدایی صورت پذیرد (سبزواری، بی تا، ۳۵۶/۲).

تا اینجا ایراد و اشکالی نیست، اما مشکل از زمانی آغاز می‌شود که زن فاقد شوهر به واسطه زنا باردار شده باشد که در جواز یا عدم جواز ازدواج وی در زمان بارداری بین فقهای مذاهب اختلافاتی وجود دارد. نظر به رشد کمی روابط نامشروع میان دختران و پسران در سالهای اخیر، نهاد خانواده در بحث ازدواج با آسیبهایی متعددی مواجه شده است. یکی از آسیبهها، باردارشدن دختر در پی رابطه نامشروع است. دختر بعد از بارداری برای حفظ آبرو و در ابتدای بارداری سریع‌تر اقدام به ازدواج با زانی یا غیرزانی می‌کند. حتی در برخی موارد دختر بارداری خود را مخفی می‌کند و پسر را از این موضوع مطلع نمی‌کند و بعد از ازدواج و شروع زندگی مشترک، زوج متوجه بارداری زوجه قبل از ازدواج از فردی دیگری به صورت نامشروع می‌شود. با اینکه حکم ازدواج زن باردار از رابطه نامشروع از اهمیت زیادی برخوردار است اما تحقیق مستقلی در این خصوص از دیدگاه مذاهب صورت نگرفته است.

مهم‌ترین پرسش این نوشتار آن است که ازدواج زن حامله از رابطه نامشروع از منظر فقه مذاهب اسلامی چه حکمی دارد؟ در این تحقیق تلاش شده تا با روش کتابخانه‌ای، در سایه توصیف و تحلیلی دقیق نظریات و ادله فقهای مذاهب یعنی امامیه، زیدیه، حنفیه، مالکیه، شافعیه، حنبلیه و اباضیه در خصوص ازدواج زن باردار از رابطه نامشروع، بررسی شود و آن‌گاه به ارزیابی این دیدگاهها پرداخته و نظریه‌ای صائب در این زمینه ارائه گردد.

اقوال و ادله فقها در خصوص حکم ازدواج زانیه باردار

فقهای مذاهب در پاسخ به این پرسش که آیا ازدواج با زانیه باردار در زمان بارداری جایز است یا نه، نظرات گوناگونی ارائه کرده‌اند و به‌طور کلی، دو دیدگاه عمده در این زمینه وجود دارد. گروهی این ازدواج را جایز می‌دانند و گروهی منکر آن شده‌اند. در اینجا هر یک از این دیدگاهها به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

۱. عدم جواز نکاح تا هنگام وضع حمل

این دیدگاه در دو محور تقریر نظریه و مستندات آن قابل بررسی است:

۱-۱. تقریر نظریه

از منظر فقهای مالکیه، حنبلیه و اباضیه و برخی از احناف (ابویوسف و زفر) ازدواج با زن باردار از راه زنا جایز نیست و بعد از وضع حمل می‌توان با وی ازدواج کرد و فرقی نمی‌کند که آن مرد، خود زانی باشد یا غیرزانی (اهدل، ۱۴۰۳ق، ۲۵۵؛ ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۵۱۵/۷). از دیدگاه مالکیه زنی که مبادرت به زنا کند باید رحم زن از ماء‌الزنا پاک شود و بعد از پاک‌ی رحم ازدواج با وی جایز است. حال اگر کسی بدون استبراء با زانیه ازدواج کند و با وی همبستر شود آن زن برای همیشه بر وی حرام می‌شود، مثل نکاح در عده (نمری، ۲۰۰۰م، ۵۱۱/۷). از نظر مالکیه استبراء حامل به وضع حمل است (دسوقی، بی‌تا، ۴۷۱/۲)، مثل زن باردار از همبستری شرعی (ابن‌رشد، ۱۴۰۸ق، ۵۰۸/۱-۵۰۷).

از نظر مالکیه، حتی اگر زنی که شوهر دارد، زنا کند و به‌واسطه آن باردار شود، وطی زوجه زانیه توسط زوج تا زمان وضع حمل حرام است (دسوقی، بی‌تا، ۴۷۱/۲). البته اگر زنی زنا کند، در حالی که از شوهرش باردار است در جواز یا عدم جواز وطی وی بین فقهای مالکیه اختلاف وجود دارد: برخی می‌گویند مباح و جایز است برخی دیگر معتقدند مکروه است و عده‌ای می‌گویند حرام است (همان‌جا).

حنابله نیز ازدواج با زانیه باردار را حرام می‌دانند و بعد از وضع حمل ازدواج با وی جایز است؛ زیرا از نظر فقهای حنابله زانیه باید عده نگه دارد (ابن‌قدامه، ۱۴۱۴ق، ۳۶/۳؛ تغلبی، ۱۴۰۳ق، ۱۶۴/۲). تغلبی می‌نویسد: «فإن کانت حاملاً من الزَّنا لم یحلَّ نکاحُها قبل الوَضْعِ، فإذا تابَتْ وانقضتْ عدَّتُها حلَّ نکاحها للزَّانی و غیره»؛ یعنی اگر زن از راه زنا باردار شود

قبل از وضع حمل، ازدواج با وی جایز نیست؛ پس هنگامی که زن توبه کرد و عده وی تمام شد ازدواج با او نسبت به زانی و غیرزانی جایز است (همان‌جا).

بر خلاف دیدگاه فوق که قول مذهب حنبلی است، مرداوی می‌گوید اولی این است که اگر زانیه باردار قصد ازدواج با زانی را داشته باشد نیازی به استبراء ندارد ولی اگر بخواهد با غیرزانی ازدواج کند استبراء واجب است. دلیل فقیه حنبلی آن است که عده برای حفظ و صیانت از اختلاط در انساب است و در وجهی که زانی و زانیه با هم ازدواج کنند دیگری اختلاط در نسب رخ نمی‌دهد^۲ (مرداوی، ۱۴۱۹ق، ۲۱۹/۹).

از نظر فقهای اباضیه ازدواج زانیه با زانی در هیچ صورتی جایز نیست (بولرواح، ۱۴۲۷ق، ۷۸۶/۲). اطفیش می‌نویسد: «حُرْمٌ عَلَى الرَّجُلِ نِكَاحُ مَرْئِيَّتِهِ وَإِنْ بَكَرَهُ أَوْ بَعْدَ تَوْبَتِهِ» (اطفیش، ۱۳۹۲ق، ۴۷/۶) و اگر زنی از راه زنا باردار شده، ازدواج با وی تا زمان وضع حمل جایز نیست: «ولئن كانت الحامل من سفاح لا يجوز العقد عليها - باتفاق أصحابنا» (خلیلی، بی‌تا، ۲۵۲/۲). از نظر فقهای اباضیه ازدواج با زن باردار بعد از وضع حمل و اتمام نفاس صحیح است (اطفیش، ۱۳۹۲ق، ۵۵/۷). ابویوسف و زفر از فقهای احناف نیز ازدواج زانیه باردار در زمان بارداری را جایز نمی‌دانند (زبیدی حنفی، ۱۳۲۲ق، ۵/۲).

۱-۲. مستندات نظریه

مهم‌ترین مستندات آنی که می‌توان در تأیید این نظریه اقامه کرد به قرار زیر می‌باشند:

الف - سنت:

روایت اول: پیامبر ﷺ فرمود: «لَا يَحِلُّ لِأَمْرِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَسْتَقِيَ مَاءَهُ زَرَعٌ غَيْرِهِ - يَعْنِي إِيْتَانِ الْحَبَالِي» (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۷۳۸/۷). سند این روایت حسن است (ابن‌نصر طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۲۶/۵؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲ق، ۴۹/۳). مفهوم این روایت آن است که بر هیچ مرد مسلمانی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد حلال نیست که داخل کند نطفه خود را در کشت دیگری؛ یعنی جایز نیست وطی زنان باردار.

پس این روایت جایز نمی‌داند که کسی نطفه خود را در رحمی که قبلاً شخص دیگری نطفه خود را قرار داده، قرار دهد.

۲. الأولى حل نكاحها لمن هي معتدة منه إن كان يلحقه نسب ولدها لأن العدة لحفظ مائه وصيانة نسبه. ومن لا يلحقه نسب ولدها كالزانية لا يحل له نكاحها لأنه يفضي إلى اشتباه النسب.

روایت دوم: «قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ خَيْبَرَ عَنِ بَيْعِ الْمَغَانِمِ، حَتَّى تَقْسَمَ، وَعَنِ الْحَبَالِي أَنْ يُوْطَأَنَّ حَتَّى يَضَعْنَ مَا فِي بُطُونِهِنَّ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۱۴۹/۲). این روایت بر طبق شرط بخاری و مسلم صحیح است (همان‌جا). بر طبق این روایت پیامبر ﷺ در روز خیبر نهی فرمود از فروش غنایم قبل از تقسیم و از همبستر شدن با زن حامله‌ای که به اسارت درآمده تا قبل از وضع حمل.

نحوه استدلال به این صورت است که فقره «نَ يَسْقَى مَاءَهُ زَرْعَ غَيْرِهِ» بر این دلالت دارد که اگر زن باردار بود تا زمان وضع حمل، همبستری با وی جایز نیست (البانی، ۱۴۰۵ق، ۱۴۱/۵). به بیان دیگر بر مؤمن حرام است که نطفه خود را در رحم زنی قرار دهد که قبلاً نطفه شخص دیگر در آن قرار داده شده و باردار است، بنابراین در این حدیث صحیح همبستری با زن حامله نهی و حرام شده است.

هر چند مفاد روایات فوق در خصوص زنان اسیر که مملوک هستند وارد شده است، اما وقتی نسبت به کنیز و امه چنین نهی شده است به طریق اولی این نهی شامل زنان آزاد نیز می‌شود. افزون بر آن، «لَا يَحِلُّ لِامْرَأٍ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ...» عام است و شامل هر زن بارداری می‌شود. از همین رو ابن‌قیم جوزیه در خصوص حرمت ازدواج با هر زن بارداری می‌نویسد: «نَهَى النَّبِيُّ ﷺ أَنْ تُوْطَأَ الْمَسِيْبَةُ الْحَامِلَةُ حَتَّى تَضَعَ، مَعَ أَنْ حَمَلَهَا مَمْلُوكٌ لَهَا، فَالْحَامِلُ مِنَ الزَّانَا أَوْلَى أَنْ لَا تُوْطَأَ حَتَّى تَضَعَ» (ابن‌قیم جوزیه، ۱۴۲۸ق، ۸۰۳/۲). با این توضیح که پیامبر ﷺ مسلمانان را از همبستری با زن اسیر باردار نهی کرده با اینکه وی مالک حمل (فرزند) در شکم آن زن است، پس به طریق اولی زن باردار از زنا نباید تا زمان وضع حمل وطی شود. دلیل اولویت آن است که وقتی زن حربی اسیر می‌شود به‌عنوان کنیز به ملکیت یکی از مسلمانان در می‌آید و در فرضی که زن باردار باشد فرزند در شکم نیز به تبع مادر به ملکیت وی در می‌آید. با اینکه آن مسلمان مالک زن اسیر (کنیز) و فرزندش است، ولی اجازه وطی و همبستری با آن کنیز باردار در زمان بارداری را ندارد و باید تا وضع حمل صبر کند و بعد از وضع حمل اجازه همبستری با وی را دارد، پس به طریق اولی وطی زانیه باردار جایز نیست، زیرا کسی نمی‌تواند مالک ولد الزنا شود.

اشکال: عدم جواز وطی زن اسیر باردار به‌خاطر این است که نسب حمل مشخص است و به عبارت دیگر «ثابت‌النسب» می‌باشد، بر خلاف زانیه که نسب حملی که در شکم دارد مجهول است (ابن‌نجیم مصری، بی‌تا، ۲۳۰/۳).

روایت سوم: پیامبر ﷺ در مورد اسیران او طاس فرمود: «لَا تَوَطُّ حَامِلٌ حَتَّى تَضَعَ، وَلَا غَيْرُ ذَاتِ حَمَلٍ حَتَّى تَحِيضَ حَيْضَةً» (ابوداود سجستانی، ۱۴۳۰ق، ۴۸۶/۳). با این توضیح که با زنی که حامله است تا وضع حملش و با زنی که باردار نیست تا اتمام یک حیض، همبستری نشوید. حاکم نیشابوری این روایت را بنا بر شرط مسلم صحیح دانسته است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۲/۲۱۲) و ارنووط ذیل حدیثی که ابوداود سجستانی نقل کرده می‌نویسد که این حدیث صحیح لغیره است، زیرا در سند آن شریک (ابن عبدالله نخعی) وجود دارد که سوء حفظ داشته و موجب ضعف سند شده است (ابوداود سجستانی، ۱۴۳۰ق، ۴۸۶/۳).

نحوه استدلال: پیامبر ﷺ از همبستری با زن باردار تا زمان وضع حمل و زن غیر حامل تا هنگام حیض نهی نموده است که این حکم شامل زانیه و غیر زانیه نیز می‌شود؛ زیرا «لا توطُّ حامل» نکره در سیاق نهی است که دلالت بر عموم و شمول دارد (ابن نجار فتوحی، ۱۴۱۸ق، ۳/۱۳۶؛ دبوسی، ۱۴۲۱ق، ۲۷۲) و لذا شامل هر زن بارداری می‌شود، چه از راه ازدواج باردار شده باشد یا زنا (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ۷/۵۱۵).

هر چند روایت درباره زنان اسیر وارد شده (عدوی، ۱۴۱۲ق، ۲/۱۶۲-۱۶۰)، اما دخالتی در عمومیت حکم ندارد.

ب- قیاس:

قیاس زن باردار از راه زنا با زنان باردار دیگر، به این بیان که زنان حامله از راه ازدواج یا شبهه یا نکاح فاسد، بعد از طلاق یا فوت همسر باید تا اتمام بارداری و وضع حمل عده نگه دارند و حق ازدواج با دیگری را ندارند. در بارداری از راه زنا نیز زن باردار باید تا وضع حمل صبر کند و بعد از وضع حمل می‌تواند ازدواج کند (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ۷/۵۱۵). در مورد وجه مشترک بین بارداری از ازدواج و بارداری از راه زنا چنین نوشته شده است: «لأنها حامل من غیره، فحرم نکاحها، کسائر الحوامل» (عاصمی، ۱۳۹۷ق، ۶/۳۰۲)؛ زیرا کسی که از زنا باردار شده مثل سایر بارداریها از شخص دیگری باردار شده و لذا ازدواج وی با شخص دوم حرام است.

ج- عدم اختلاط میاه و انساب:

هدف دین مبین اسلام مبتنی بر حفظ پنج مقصد اساسی یعنی دین، عقل، نفس، مال و نسب است (قطان، ۱۴۲۲ق، ۵۱) و خداوند پاکی رحم از نطفه دیگری را واجب نموده است تا فرزندی که از رابطه نامشروع به وجود آمده است به شخص دیگری (زوج) الحاق نشود

و چنین الحاقی جایز نیست (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۱ق، ۱۴۵/۳). بنابراین ازدواج با زانیه تا وضع حمل به جهت سلامت نسل جایز نیست.

د- محترم بودن فرزند در شکم زانیه:

دلیل ابویوسف بر حرمت ازدواج با زانیه باردار این است که جنین در شکم زانیه دارای احترام، شأن و کرامت است؛ زیرا جنایت بر آن جایز نیست و سقط آن حرام است مثل ثابت‌النسب (ابن‌همام، ۱۳۸۹ق، ۲۴۲/۳). به‌خاطر همین احترام‌داشتن جنین، ازدواج با زانیه باردار در زمان بارداری حرام است. به بیان دیگر از نظر ابویوسف جنین دارای احترام است چه جنین حاصل از ازدواج شرعی به وجود آمده باشد یا از راه زنا.

اشکال: جنین به خودی خود دارای احترام نیست بلکه آنچه احترام و کرامت دارد صاحب نطفه است و چون در زنا نطفه زانی احترامی ندارد، لذا ازدواج با زانیه باردار صحیح است (همان‌جا).

پاسخ به اشکال: وجوب پاکی رحم زانیه از حمل، به‌خاطر نطفه و جنین زانی نیست تا بحث از احترام و عدم احترام نطفه و جنین مطرح باشد، بلکه به‌خاطر کسی است که با زانیه ازدواج می‌کند، زیرا بعد از ازدواج، زوج شرعی زانیه محسوب می‌شود و نطفه آن شخص احترام دارد (زبیدی حنفی، ۱۳۲۲ق، ۸۳/۲).

۲. جواز ازدواج با زانیه

فقهایی که قائل به جواز ازدواج با زانیه باردار در زمان بارداری هستند در اصل ازدواج اختلافی ندارند و اما در وطی و همبستری زانیه باردار بعد از ازدواج تا زمان وضع حمل اختلاف دارند، بنابراین برخی افزون بر ازدواج، وطی را هم جایز می‌دانند و در مقابل گروه دیگری وطی را جایز نمی‌دانند.

۲-۱. جواز ازدواج و همبستری با زانیه باردار

این دیدگاه در دو محور تقریر نظریه و مستندات آن قابل بررسی است:

۲-۱-۱. تقریر نظریه

از منظر مشهور فقهای امامیه و فقهای شافعیه ازدواج و همبستری با زن باردار از رابطه نامشروع در حین بارداری جایز است (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۵۴۴/۲). در این حکم

فرقی نمی‌کند که آن مرد، زانی باشد یا شخص دیگری (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸ق، ۷۹۰/۲؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ۴۵۵/۱۴؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق، ۲۱۳/۲). حلی می‌نویسد: «لا تحرم الحامل من الزنا علی الزانی و لا علی غیره و لا یفتقر فی إباحة العقد علیها إلى الوضع» (حلی، ۱۴۲۰ق، ۴۷۶/۳). مضمون قول حلی این است که ازدواج زن باردار با زانی و غیرزانی حرام نیست و برای مباح بودن ازدواج با آن زن نیازی به وضع حمل نیست. یعنی وضع حمل شرط اباحه ازدواج نیست، بلکه در حین بارداری می‌توانند ازدواج کنند. بحرانی در این مورد ادعای شهرت و عدم خلاف کرده است: «المشهور فی کلام الأصحاب بل الظاهر أنه لا خلاف فیہ أنه لا عدة علی الزانیة إذا كانت ذات حمل من الزانی» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۵۰۴/۲۳). نجفی نیز می‌گوید زنی که از راه زنا باردار شده، ازدواج و همبستری با وی جایز است، زیرا نطفه زانی حرمت ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۱۲/۲۴).

فقهای شافعی نیز ازدواج و همبستری با زانیه باردار را مشروع می‌دانند (خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ۳۸۸/۵؛ ماوردی، ۱۴۱۴ق، ۱۹۱/۹؛ ابن حجر هیتمی، بی‌تا، ۹۳/۴؛ زحیلی، بی‌تا، ۵۹۸/۹). البته برخی قائل به کراهت وطی و همبستری تا زمان وضع حمل شده‌اند (نووی، بی‌تا، ۲۴۲/۱۶؛ عمرانی، ۱۴۲۱ق، ۲۷۰/۹) و اینکه کراهت آن با وضع حمل از بین می‌رود. شیرازی می‌نویسد: «و یجوز نکاح الحامل من الزنا لأن حملها لا یلحق بأحد فکان وجوده کعدمه» (شیرازی، بی‌تا، ۴۴۵/۲). شیرازی علت جواز ازدواج را عدم الحاق فرزند حاصل از رابطه نامشروع به کسی می‌داند و بود و نبود آن حمل یکسان است و در نتیجه وجود حمل، مانعی برای ازدواج محسوب نمی‌شود.

۲-۱-۲. مستندات نظریه

الف- قرآن:

فقهای امامیه و شافعیه به عمومیت آیه «وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَّرَاءَ ذَٰلِكُمْ» و غیر از این برای شما حلال است» (نساء، ۲۴) استدلال کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳۰۱/۴؛ نووی، بی‌تا، ۲۴۲/۱۶). خداوند در آیه قبل (نساء، ۲۳) و بخشی از همین آیه زنانی که ازدواج با آنها حرام است را نام برده و پس از آن فرمود که ازدواج با سایر زنان جایز است. با توجه به آنچه گفته شد خداوند زانیه و به‌طور خاص زانیه باردار را در کنار کسانی که ازدواج با آنها ممنوع است قرار نداده و نامی از وی نمی‌برد در نتیجه ازدواج با وی جایز است.

اشکال: عمومیت این آیه با روایاتی که بر عدم جواز ازدواج با زانیه تا زمان وضع حمل دلالت دارند، قید زده می‌شود.

ب- سنت:

روایت اول: برخی از فقهای امامیه به روایتی از محمد بن حسن قمی استناد کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸ق، ۲۲۵/۳۲). راوی می‌گوید: با جمعی از دوستان به امام جواد علیه السلام نامه‌ای نوشتیم و از ایشان سؤال کردیم که مردی با زنی زنا کرده و پس از باردارشدن، با او ازدواج می‌کند و زن فرزندی می‌آورد که از همه مردم به آن مرد شبیه‌تر است. امام علیه السلام با خط و مهر خود در جواب نوشت: «الْوَلَدُ لِعَيَّةٍ لَا يُورَثُ: کسی از زنازاده ارث نمی‌برد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۶۳/۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳۱۶/۴؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ۱۸۳/۸). «غیه» در اینجا کنایه از زناست (فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ۱۶۶۰/۲).

نحوه استدلال: در این روایت هر چند یک سؤال شده است اما دو قضیه در آن وجود دارد:

۱. حکم ازدواج با زانیه باردار از رابطه نامشروع در زمان بارداری؛
 ۲. حکم فرزندی که ولدالزناست، اما متعلق به زوجین است که قبل از ازدواج به واسطه زنا نطفه‌اش منعقد شده است.

آن حضرت علیه السلام در پاسخ فقط یک قاعده کلی در خصوص ولدالزنا بیان نمود، یعنی عدم توارث ولدالزنا، ولی در خصوص ازدواج در زمان بارداری چیزی نفرمودند و سکوت آن حضرت نشانه جواز چنین ازدواجی است؛ زیرا اگر نکاح زانی با زانیه حلال داشت قطعاً به باطل بودن آن نیز اشاره می‌نمودند.

روایت دوم: پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «لَا يُحَرِّمُ الْحَرَامُ الْحَلَالَ» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱۶۵/۳؛ ابن ماجه قزوینی، بی تا، ۶۴۹/۱). البته این روایت با همین مفهوم ولی با تعبیر مختلف آمده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴۲۶/۲۰).

نحوه استدلال: عقد با زانیه قبل از زنا و قبل از بارداری حلال بوده و زنا که حرام است نمی‌تواند موجب حرمت ازدواج که حلال است، شود ولو به صورت موقت و تا وضع حمل، بلکه بعد از زنا زانیه می‌تواند بلافاصله ازدواج کند حتی اگر باردار باشد.

از لحاظ سندی بسیاری از این روایات معتبر هستند (خویی، ۱۴۱۸ق، ۳۱۳/۳۲-۳۱۲). ولی از لحاظ دلالتی باید گفت که در تفسیر کلمه حلال اختلاف شده است، برخی آن را حلال

بالفعل و برخی اعم از حلال بالفعل و حلال شأنی می‌دانند (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۲۸۳۱/۸). اگر مراد از «حلال»، حلال فعلی باشد یعنی همسر انسان، در این صورت این روایت بر مدعا دلالت نمی‌کند؛ زیرا مفهوم این فقره آن است که همسر انسان که در حال حاضر تمتع از آن حلال است با زنا بر شوهرش حرام نمی‌شود، لذا شامل زانیه نمی‌شود چون بالفعل حلال نیست. اما اگر مراد از «حلال» اعم از فعلی و شأنی باشد یعنی کسی که تمتع‌بردن از او ولو با عقد نکاح جایز است، در این صورت شامل زانیه می‌شود. در این صورت اگر شخصی با زنی زنا کند، این زن بر زانی حرام نمی‌شود؛ زیرا زنا، خودش حرام است و نمی‌تواند نکاح که حلال است را حرام کند. نتیجه آنکه اگر گفته شود مراد از حلال، حلال فعلی است شامل بحث زانیه نمی‌شود و اما اگر مراد از حلال، به معنای اعم گرفته شود می‌توان بر عدم وجوب استبراء به این روایت و مثل آن استناد کرد.

اشکال: شاید مراد این حدیث آن است که حرمتی که با مظاهره^۳ حاصل می‌شود با حرام یعنی زنا حاصل نمی‌شود (خطیب، ۱۴۲۰ق، ۷۶).

ج - اجماع صحابه بر جواز ازدواج زانیه:

صحابه اجماع دارند بر اینکه ازدواج با زانیه بدون عده و استبراء جایز است (نووی، بی‌تا، ۲۴۲/۱۶)؛ کما اینکه خلیفه اول و دوم مبادرت به ازدواج زانی با زانیه بعد از اجرای حد می‌کردند (عمرانی، ۱۴۲۱ق، ۲۷۱/۷). به عنوان مثال در نقلی آمده است که خلیفه اول وقتی جرم زانیه و زانی بکر ثابت شد، به آنها حد زد و سپس آنها را به عقد یکدیگر درآورد (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۲۵۱/۷): «فِي رَجُلٍ بَكَرٍ افْتَضَّ امْرَأَةً وَاَعْتَرَفَا، فَجَلَدَهُمَا مِائَةً ثُمَّ زَوَّجَ أَحَدَهُمَا مِنَ الْآخَرِ مَكَانَهُ وَنَفَاهُمَا سَنَةً» (همان‌جا). هم‌چنین در روایتی دیگر از ابن‌عباس در خصوص مردی که با زنی قبل از ازدواج با وی زنا کرده بود از پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند: «أَوَّلُهُ سِفَاحٌ، وَآخِرُهُ نِكَاحٌ، أَوَّلُهُ حَرَامٌ، وَآخِرُهُ حَلَالٌ» (ابن‌ابی‌شبیبه، ۱۴۰۹ق، ۵۲۹/۳). نووی بعد از اشاره به سیره و احادیث نقل شده از صحابه در خصوص ازدواج با زانیه بدون استبراء می‌نویسد: «فدل علی أنه اجماع» (نووی، بی‌تا، ۲۴۲/۱۶). بنابراین ازدواج و وطی زانیه هنگام بارداری صحیح است، زیرا حمل در شکم آن زن به کسی ملحق نمی‌شود^۴ (همان‌جا).

۳. مظاهره رابطه‌ای است که به‌واسطه ازدواج بین زوج و زوجه و خویشان هر یک از آن دو ایجاد

می‌شود.

۴. لانه وطی لا یلحق به النسب، أو حمل لا یلحق بأحد فلم یمنع صحة النکاح کما لو لم یوجد.

برخی با طرح دو اشکال، این استدلال را نپذیرفته اند (فوزان، بی تا، ۴) که عبارت است از:

اشکال اول: عدم نقل استبراء در سیره و روایات صحابه دلالت بر عدم وجوب آن بر زانیه نمی‌کند؛ زیرا ممکن است به یکی از این دو احتمال نسبت به ازدواج زانیه، استبراء شرط نشده است: اول اینکه چون حکم استبراء در شرع آمده بود و مردم آن را پذیرفته بودند و بنابراین به خاطر وضوح و مشهوربودن استبراء بین همه مردم در این روایات نیامده است. و احتمال دوم آن است که اگر خلیفه اول و دوم بعد از اجرای حد، زانیه و زانی را به ازدواج با یکدیگر درمی‌آوردند شاید برای آنها علم به برائت رحم زانیه حاصل شده بود؛ به این صورت که یا زانیه اعتراف می‌کرد و یا اینکه مدت زیادی از زناي آن دو گذشته بود، به طوری که در این مدت زانیه یک یا چند بار حیض شده بود.

اشکال دوم: به فرض که پذیرفته شود استبراء شرط نشده است، اما در گزارش صحابه نسبت به ازدواج زانیه با زانی اشاره شده بود و به عبارت دیگر اختصاص به ازدواج زانیه با زانی دارد؛ زیرا نطفه در هر دو حالت (زنا و ازدواج) برای یک نفر است و اختلاط در انساب نیز رخ نمی‌دهد.

این اشکال پذیرفته نمی‌شود، زیرا هر چند نطفه برای یک نفر است اما نطفه زنا حرام است و نطفه حاصل از ازدواج حلال و اختلاط حلال با حرام جایز نیست. از طرف دیگر اختلاط در انساب نیز رخ می‌دهد؛ زیرا ولدالزنا، ولد شرعی نیست تا فرزند شرعی زوج (زانی سابق) محسوب شود و از او ارث ببرد، حال اگر بدون استبراء زانی با زانیه ازدواج کند احتمال دارد نطفه حرام که از زناست به اشتباه به زوج (زانی سابق) ملحق شود.

د- عدم حرمت ماء الزانی:

ماء الزانی محترم نیست و لذا به تبع آن حمل هم محترم نیست، بنابراین استبراء زانیه حامل واجب نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۴/۲۱۲؛ نووی، ۱۴۰۵ق، ۸/۳۷۵).

اشکال: هر چند نطفه زانی محترم نیست اما نطفه کسی که با زانیه ازدواج می‌کند و زوج وی محسوب می‌شود، محترم است و باید از اختلاط آن جلوگیری کرد (زبیدی حنفی، ۱۳۲۲ق، ۲/۸۳).

۲-۲. جواز ازدواج و عدم جواز همبستری تا وضع حمل

این دیدگاه در دو محور تقریر نظریه و مستندات آن قابل بررسی است:

۲-۲-۱. تقریر نظریه

فقه‌های حنفیه (سمرقندی، ۱۴۱۴ق، ۱۲۹/۲؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲ق، ۵۱۱/۳) و زیدیه (ابن-مفتاح، ۱۴۳۵ق، ۴۶۵/۵؛ ابوعلی، بی‌تا، ۱۸۸) می‌گویند ازدواج با زن باردار صحیح است، اما وطی و همبستری با زانیه حین بارداری حرام است و باید تا وضع حمل صبر کرد. ابوالفضل موصلی از فقه‌های احناف می‌نویسد: «وَلَا يَتَزَوَّجُ حَامِلًا مِنْ غَيْرِهِ؛ لِمَا ذَكَرْنَا (إِلَّا الزَّانِيَةَ، فَإِنْ فَعَلَ لَا يَطْوُهَا حَتَّى تَضَعَ)» (موصلی، ۱۳۵۶ق، ۷۸/۳). فقیه دیگر احناف نیز چنین نگاه داشته است: «وَإِنْ تَزَوَّجَ حَامِلًا مِنَ الزَّانَا جَاَزَ عِنْدَهُمَا (یعنی ابوحنیفه و محمد بن حسن شیبانی) وَلَا يَطَاهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا» (زبیدی حنفی، ۱۳۲۲ق، ۵/۲). مفهوم این دو قول آن است که زانیه باردار اگر در زمان بارداری ازدواج کند، همبستری با وی تا زمان وضع حمل جایز نیست.

ظاهراً از نظر احناف اگر زانیه با زانی ازدواج کند می‌تواند در زمان بارداری با وی همبستر شود؛ یعنی افزون بر صحت نکاح، وطی زانیه نیز جایز است^۵ (ابن‌همام، ۱۳۸۹ق، ۲۴۱/۳؛ زبیدی حنفی، ۱۳۲۲ق، ۸۳/۲) و نیازی نیست تا وضع حمل صبر کند. این حکم بین فقه‌های احناف اتفاقی است: «مَحَلُّ الْخِلَافِ تَزَوُّجُ غَيْرِ الزَّانِي أَمَّا تَزَوُّجُ الزَّانِي لَهَا فَجَائِزٌ اتِّفَاقًا» (ابن-نجیم مصری، بی‌تا، ۱۱۴/۳)؛ یعنی آنچه محل اختلاف بین فقهاست ازدواج غیرزانی با زانیه است، اما ازدواج زانی با زانیه به اتفاق فقها جایز است.

هم‌چنین زیدیه عده را اختصاص به زوجه شرعی که با نکاح حلال شده می‌دانند و معتقدند زانیه عده ندارد و ازدواج با وی صحیح است، چه زانیه باردار باشد یا نباشد (هارونی حسنی، بی‌تا، ۷۲/۳)، اما وطی زانیه باردار را جایز نمی‌دانند. عنسی از فقه‌های زیدیه می‌نویسد: «(الحامل من زنی) فَإِنَّهَا تَسْتَبْرَأُ (للوطء) و كذا مقدماته من الاستمتاع وغيره (بالوضع) للحمل و لو كان الزانی هو الزوج الذی یرید وطیها الآن بالعقد و قد زنی بها من قبل فإنه لا يجوز له وطؤها بعقد النکاح إلا بعد أن تضع و لا يستمتع منها أيضاً لأن الولد ليس من زرعه و لا يلحق

۵. قال ابن‌الهمام: أما لو كان الحبل من زنا منه جاز النکاح بالاتفاق كما في الفتاوى الظهيرية محالاً إلى النوازل قال رجل تزوج حاملاً من زنا منه فالنکاح صحیح عند الكل ويحل وطؤها عند الكل.

به. و أما للعقد فلا يجب أن تستبرأ فيجوز العقد على الحامل من زنى للزاني و غيره» (عنسی، ۱۴۱۴ق، ۲/۲۳۰-۲۲۹). مفاد این قول آن است که زنی که از راه زنا باردار شده است باید برای همبستری استبراء شود و علاوه بر آن مقدمات وطی که عبارت است از استمتاع و غیر آن تا زمان وضع حمل جایز نیست، هر چند زوج همان زانی باشد که الان قصد دارد بعد از ازدواج با وی همبستر شود در حالی که قبلاً با وی مرتکب زنا شده است، پس جایز نیست بر زوج (زانی) بعد از عقد نکاح با زانیه همبستر شود، مگر بعد از وضع حمل حتی استمتاع از وی جایز نیست؛ زیرا ولد از کشت (کنایه از آمیزش شرعی) وی نبوده و ملحق به او نمی‌شود. اما برای عقد واجب استبراء واجب نیست و در نتیجه عقد و ازدواج بر زن باردار از زنا در زمان بارداری برای زانی و غیرزانی صحیح است.

۲-۲-۲. مستندات نظریه

فقهای احناف و زیدیه دو نوع دلیل اقامه کرده‌اند. اولی بر جواز ازدواج با زانیه باردار و دومی بر عدم جواز وطی زانیه باردار، که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

الف- مستند فقها بر جواز ازدواج زانیه باردار:

فقهای حنفیه و زیدیه بر اصل جواز ازدواج با زانیه حامل به ادله‌ای استناد نموده‌اند که فقهای شافعیه نیز بدان استناد کرده‌اند؛ مثل عمومیت آیه ۲۴ سوره نساء (موصلی، ۱۳۵۶ق، ۸۷/۳؛ هارونی حسنی، بی‌تا، ۷۲/۳) و نتیجه گرفته‌اند که زانیه باردار عده ندارد (ابن‌نجیم مصری، بی‌تا، ۱۱۴/۳ و ۱۴۷/۴) و لذا برای جلوگیری از تکرار ادله از ذکر آنها صرف نظر می‌شود.

ب- مستند فقها بر عدم جواز وطی زانیه باردار:

فقهای احناف بر عدم جواز وطی به روایتی از پیامبر ﷺ استناد می‌کنند (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۷۳۸/۷؛ ابوداود سجستانی، ۱۴۳۰ق، ۴۸۷/۳) که در آن تصریح شده است بر اینکه اگر در رحم زنی نطفه مردی قرار گرفت بر شخص دیگر حرام است که نطفه خود را در آن قرار دهد: «لَا يَحِلُّ لِمَرْءٍ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَسْقِيَ مَاءَهُ زَرْعَ غَيْرِهِ يَعْنِي إِنْ بَانَ الْحَبَالَى» (ابن‌همام، ۱۳۸۹ق، ۲۴۲/۳؛ زیلعی، ۱۳۱۳ق، ۱۱۳/۲). مراد از این روایت منع وطی زن باردار است؛ چون هر چند که نطفه و حمل زانی حرمت ندارد، اما نسب وی ثابت و مشخص است و از طرف دیگر سقط آن جایز نیست و لذا باید تا وضع حمل از همبستری با وی

اجتناب شود (ابن‌همام، ۱۳۸۹ق، ۲۴۲/۳؛ غیتابی، ۱۴۲۰ق، ۶۱۵/۵؛ ابن‌مازه، ۱۴۲۴ق، ۷۹/۳). این حدیث مشهور بوده و از نظر فقها تلقی به قبول شده است (غیتابی، ۱۴۲۰ق، ۶۱۵/۵).

شبیبه به همین روایت از پیامبر ﷺ در لسان فقهای زیدیه آمده است: «لعن الله الساقی بمائه زرع غیره»؛ لعنت خداوند بر کسی که منی خود را در کشت دیگری قرار دهد. یعنی بر کسی جایز نیست که منی خود را در رحم زنی قرار دهد در حالی که شخص دیگری نطفه خود را در رحم آن زن قرار داده و باردار شده است، چه آن نطفه از راه شرعی در رحم زن قرار گرفته چه از راه نامشروع (زنا). ابن‌مفتاح در ذیل این حدیث می‌نویسد: «هذا زرع غیره لأنه من زنی» (ابن‌مفتاح، ۱۴۲۵ق، ۴۶۵/۵)؛ یعنی این حمل از کشت دیگری است زیرا از زناست.

۳. نظر مختار مؤلف

به نظر نگارنده قول کسانی که قائل به عدم جواز ازدواج زانیه باردار تا زمان وضع حمل هستند و فقهای همچون فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ۳۴۴/۲)، کاشف الغطاء (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ۴۵)، حر عاملی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۶۵/۲۲) و شبیری زنجانی (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۲۱۵۱/۷) قائل به آن هستند، به دلایل ذیل ترجیح دارد:

۳-۱. سنت

در روایتی راوی از امام صادق ﷺ پرسید که اگر کسی با خانمی زنا کند و بعداً بخواهد با او ازدواج کند، آیا روا خواهد بود؟ آن حضرت ﷺ فرمود: «و لَأَیْبَغِیْ لَهُ أَنْ یَتَزَوَّجَ بِهَا بَعْدَ الْفُجُورِ إِلَّا بَعْدَ أَنْ یَسْتَبْرِئَ رَحِمَهَا» (طوسی، ۱۳۶۵ش، ۳۲۷/۷). در این روایت آن حضرت ﷺ پاکی رحم را شرط جواز ازدواج دانسته‌اند.

سند این روایت صحیح است (خویی، ۱۴۱۸ق، ۲۲۰/۳۲) و از لحاظ دلالتی، هر چند طوسی «لاینبغی» آورده است اما لاینبغی در کلمات طوسی و بسیاری از قدما غالباً دلالت بر حرمت می‌کند، خصوصاً در اینجا که طوسی به روایت اسحاق بن جریر استدلال می‌کند، قطعاً دلالت بر حرمت می‌کند (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۲۱۴۹/۷). مجلسی بر خلاف دیدگاه اکثر فقها، دلالت این حدیث را بر اینکه «ماء‌الزنا» عده دارد، می‌پذیرد. (مجلسی، ۱۴۰۴ق،

۶۳/۲۰) و بنابراین طبق این روایت زانیه قبل از ازدواج باید رحم خود را از ماء الفجور پاک کند. این روایت استبراء رحم زانیه را مطلقاً لازم می‌داند، چه زانیه حامله باشد یا نباشد. که استبراء غیرحامل با دیدن حیض و استبراء حامل با وضع حمل است.

۲-۳. احتیاط در انساب

نسب انسانها نزد شارع جایگاه مهمی داشته و برای عدم اختلاط و تباهی آن احکامی نیز در باب نکاح و طلاق وضع کرده است (حلی، ۱۳۸۸ق، ۶۳۹؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۵۴۴/۴). از طرف دیگر زن و مرد دو رکن سازنده نسب هستند و لازم است نسب در ساختاری که شارع معین نموده توسط آنها شکل گیرد و شارع اجازه خروج از چارچوب تعیین شده را نداده است، تا جایی که پیامبر ﷺ در حدیثی کسانی که به دروغ خود را به کسی نسبت دهد در حالی که پدرش نیست لعن می‌کند: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ادَّعَىٰ إِلَىٰ غَيْرِ أَبِيهِ» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۱۸۶/۴). بنابراین لازم است در هر چیزی که احتمال می‌رود باعث اختلال در انساب و آمیختگی آن شود یا آن را نابود سازد، احتیاط شود (شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ۲۰۸/۱). این همان احتیاط در انساب است و در مورد بحث یعنی ازدواج زن باردار از رابطه نامشروع، چون این احتمال وجود دارد که فرزند نامشروع در شکم زانیه، فرزند مشروع زوج شمرده شود، لذا به حکم این قاعده چنین ازدواجی جایز نیست چون باعث اختلاط در انساب می‌شود.

بنابراین ادله کسانی که ازدواج زانیه باردار را جایز دانسته‌اند مخدوش است، زیرا استناد آنها به عمومیت قرآن و سنت با وجود ادله‌ای که ظاهر آنها بر عدم جواز ازدواج دلالت دارند، صحیح نیست و تخصیص زده می‌شوند؛ زیرا نسبت بین آنها عموم و خصوص است و عام با خاص تخصیص می‌خورد، زیرا ظهور مخصص نسبت به ظهور عام قوی‌تر است.

نتیجه

۱. فقهای مذاهب در حکم ازدواج زانیه فاقد شوهر و باردار در زمان بارداری با یکدیگر اختلاف دارند.

۲. از نظر مشهور فقهای امامیه و شافعیه ازدواج زانیه باردار در زمان بارداری جایز است و افزون بر آن وطی زانیه نیز جایز است.

۳. از نظر فقهای حنفیه و زیدیه ازدواج زانیه باردار در زمان بارداری جایز است، اما وطی و همبستری با وی جایز نیست و زوج باید تا وضع حمل صبر کند.
۴. از نظر فقهای مالکیه، حنبلیه و اباضیه و ابویوسف و زفر از احناف ازدواج با زانیه باردار در زمان بارداری صحیح نیست. و زانیه باید تا وضع حمل صبر کند.
۵. نسبت ادله مجوزین و مانعین ازدواج، عموم و خصوص است؛ یعنی ادله کسانی که ازدواج زانیه باردار را جایز نمی‌دانند خاص است و ادله کسانی که قائل به جواز ازدواج در زمان بارداری هستند عام. بنابراین عام توسط خاص تخصیص می‌خورد، زیرا ظهور مخصص نسبت به ظهور عام قوی‌تر است.
۶. از نظر نگارنده با توجه به تأکید بر پاکی رحم زانیه قبل از ازدواج در روایت اخیر (در زن باردار پاکی رحم به وضع حمل است) و همچنین احتیاط در انساب، قول کسانی که ازدواج زانیه باردار را جایز نمی‌دانند، ترجیح دارد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، *الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار*، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر، *المهذب*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، *الفتاوی الکبری الفقهیة*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
- ابن رشد، محمد بن احمد، *البيان و التحصیل و الشرح و التوجیه و التعلیل لمسائل المستخرجه*، بیروت، دارالغرب الإسلامي، ۱۴۰۸ق.
- ابن عابدین، محمدامین بن عمر، *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *الکافی فی فقه الإمام احمد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- همو، *المعنی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۵ق.
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، *اعلام الموقعین عن رب العالمین*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- همو، *تهذیب السنن*، ریاض، مکتبه المعارف، ۱۴۲۸ق.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، بی جا، داراحیاء الکتب العربیة؛ فیصل عیسی البابی الحلبي، بی تا.
- ابن مازہ، محمود بن احمد، *المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- ابن مفتاح، عبدالله بن ابی القاسم، *المنتزع المختار من الغیث المدرار*، صنعاء، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۴۳۵ق.
- ابن نجار فتوحی، محمد بن احمد، *شرح الکوکب المنیره*، ریاض، مکتبه العبيکان، ۱۴۱۸ق.
- ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم، *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، بیروت، دارالکتب الإسلامی، بی تا.
- ابن نصر طوسی، حسن بن علی، *مستخرج الطوسی علی جامع الترمذی*، مدینه، مکتبه الغرباء الأثریة، ۱۴۱۵ق.
- ابن همام، محمد بن عبدالواحد، *شرح فتح القدير*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۸۹ق.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، دمشق، دارالرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ق.

- ابوعلی، احمد بن حسن، *لباب الافکار فی توضیح مبهمات الازهار*، بی جا، بی نا، بی تا.
- اطفیش، محمد بن یوسف، *شرح النیل و شفاء العلیل*، بیروت، دارالفتح، ١٣٩٢ق.
- البانی، محمد ناصرالدین، *إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل*، بیروت، المکتب الإسلامی، ١٤٠٥ق.
- اهدل، عبدالرحمن بن عبدالرحمن، *الأنکحة الفاسدة (دراسة فقهية مقارنة)*، ریاض، مکتبه الدولية، ١٤٠٣ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٥ق.
- بولرواح، ابراهیم بن علی، *موسوعة آثار الإمام جابر بن زید الفقهية*، مسقط، مکتبه مسقط، ١٤٢٧ق.
- بیهقی، احمد بن حسین، *السنن الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٤ق.
- تغلبی، عبدالقادر بن عمر، *نیل المآرب بشرح دلیل الطالب*، کویت، مکتبه الفلاح، ١٤٠٣ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١١ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤٠٩ق.
- حکیم، سید محسن، *مستمسک العروة الوثقی*، قم، مؤسسه دارالتفسیر، ١٤١٦ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، *تحریر الأحکام الشریعیة علی مذهب الإمامیة*، قم، مؤسسه امام صادق، ١٤٢٠ق.
- همو، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت، ١٣٨٨ق.
- خطیب شریبئی، محمد بن احمد، *مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
- خطیب، یحیی عبدالرحمن، *احکام المرأة الحامل فی الشریعة الإسلامیة*، اردن، دارالنفائس، ١٤٢٠ق.
- خلیلی، احمد بن حمد، *فتاوی سماحة الشیخ الخلیلی*، بی جا، بی نا، بی تا.
- خوانساری، سید احمد، *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ١٤٠٥ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، *موسوعة الإمام الخوئی*، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خویی، ١٤١٨ق.
- دبوسی، عبیدالله بن عمر، *تقویم الأدلة فی أصول الفقه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢١ق.

- دسوقی، محمد بن احمد، حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- زبیدی حنفی، ابوبکر بن علی، الجوهر النيرة، مطبعة خیریه، ۱۳۲۲ق.
- زحیلی، وهبه، الفقه الإسلامی و أدلته، دمشق، دارالفکر، بی تا.
- زیلعی، عثمان بن علی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق و حاشیة الشلبی، قاهره، المطبعة الكبرى الأمیریة، ۱۳۱۳ق.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار، بی تا.
- سمرقندی، محمد بن احمد، تحفة الفقهاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۲ق.
- شیرازی، ابراهیم بن علی، المهذب فی فقه الامام الشافعی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی مع تعلیقات، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۸ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- همو، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- همو، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- عاصمی، عبدالرحمن بن محمد، حاشیة الروض المربع شرح زاد المستقنع، بی جا، بی تا، ۱۳۹۷ق.
- عدوی، علی صعیدی، حاشیة العدوی علی شرح کفاية الطالب الربانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- عمرانی، یحیی بن ابی الخیر، البیان فی مذهب الإمام الشافعی، جده، دارالمنهاج، ۱۴۲۱ق.
- عنسی، احمد بن قاسم، التاج المذهب لأحكام المذهب شرح متن الأزهار فی فقه الائمة الأطهار، صنعاء، دارالحکمة الیمانیة، ۱۴۱۴ق.
- غیتابی، محمود بن احمد، البناية شرح الهدایة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- فوزان، عبدالعزیز، حکم نسبة المولود إلى أبيه من المدخول بها قبل العقد، بی جا، بی تا.
- فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، الشافی فی العقائد و الاخلاق و الأحكام، تهران، لوح محفوظ، ۱۴۲۵ق.
- قطان، مناع بن خلیل، تاریخ التشريع الإسلامی، قاهره، مکتبه الوهبة، ۱۴۲۲ق.
- کاشف الغطاء، حسن، انوار الفقاهه (کتاب الطلاق)، نجف، مکتبه کاشف الغطاء العامة، ۱۴۲۲ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

- ماوردی، علی بن محمد، *الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی و هو شرح مختصر المزنی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٤ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٤ق.
- مرداوی، علی بن سلیمان، *الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف*، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ١٤١٩ق.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، *منهاج المؤمنین*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ١٤٠٦ق.
- موصلی، عبدالله بن محمود، *الاختیار لتعلیل المختار*، قاهره، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ١٣٥٦ق.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ١٤٠٤ق.
- نمری، یوسف بن عبدالله، *الإستدکار الجامع لمذاهب الفقهاء الأمصار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ٢٠٠٠م.
- نووی، یحیی بن شرف، *المجموع شرح المذهب*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- همو، روضة الطالبین و عمدة المفتین، بیروت، المكتب الإسلامی، ١٤٠٥ق.
- هارونی حسنی، احمد بن حسین، *شرح التجريد فی فقه الزیديه*، صنعاء، مرکز البحوث و التراث الیمنی، بی تا.